

عاقلان افسانه‌ها می‌آورند  
درج در افسانه‌شان بس سر و پند  
هزل‌ها گویند در افسانه‌ها  
گنج می‌جو در دل ویرانه‌ها

## بحثی در ادبیات عامیانه

### تحلیلی گذرا در « طوطی نامه » ها

هر چند از ادبیات تعریف‌های گونه‌گون و بیشماری کرده‌اند ولیکن رسوبی که از تمام این تعریف‌ها در ژرفای ذهن فرو می‌نشیند یک چیز است و آن اینکه « ادبیات ماندنی‌ترین آثار ذهنی و ذوقی انسانهاست که از اندیشه خلاق نشأت می‌گیرد ». شکی نیست که اگر چنین آثاری از اصالت و صمیمیت برخوردار باشد تصویرگر راستینی خواهد بود که شیوه زندگی گذشتگان را - از سوره سوگ گرفته تا خورد و گفت ، و شنف و گفتشان - نشان می‌دهد و اندیشه و آرمان آفریدگاران خود را بیان می‌کند ، به خاطر همین ویژگی است که هر نسل آثار ادبی خود را همچون میراثی گران ، گرامی می‌دارد و خود نیز از فیضان اندیشه و ذوق خویش ، آن را گرانبارتر ساخته ، به نسل پسین باز می‌سپارد .

اگر به تعریفی با این کلیت و توسع از ادبیات دل ببندیم ناگزیر باید در سر و زار ادب به درختی پر بار و شکوفانی نیز اعتنا کنیم با نام « ادبیات عامیانه » که ریشه در زندگی خلقها دارد و آبنوشش چشمه اندیشه و ذوق توده مردم است ، بدین سان ادبیات عامیانه نه همان ویژگیهای ادبیات مکتوب و رسمی را دارد بلکه مردمی بودن و اصالت و قدمت را نیز بیش دارد . قدمت از این جهت می گویم که احتمالاً نخستین گلهای ذوق و اندیشه و تخیل آدمیان در افسانه‌ها و داستانها شکفته، ولیکن چون نوشته و نوشتار نبوده این همه گلبوته‌ها در گلخانه سینه‌ها و نهانخانه ضمیر و حافظه‌ها مانده ، پس می توان باور داشت پیش از زادن و بالیدن ادب رسمی از نوع شعر و شاعری ، داستان سازی و افسانه پردازی در زندگی مردمان پیشین جایی داشته و آنها را سرگرم می داشته، بدین سان قصه‌ها و داستانهای دیر روز ، باری هم سنگ تمام وسایل و ابزارهای سرگرم کننده امروز از سینما و تئاتر گرفته تا رادیو و تلویزیون ، بر دوش داشته .

افسانه‌ها جز این خاصیت سرگرم کننده، جنبه پرورشی و تهنیدی نیز داشته‌اند ، از این جهت ، از همان روزگاران کهن ، بسیاری از اصول اخلاقی و حکمی را مادر بزرگها در جامعه افسانه به فرزندان خود القا می کرده‌اند و پیشوایان اندیشمند و مصلحان آگاه ، حقیقت تلخ را در لایه و لعاب شیرین قصه و حکایت به گوش حکمرانان می رسانیده‌اند، چنین است که می بینیم بزرگانی چون ابوعلی سینا ، شیخ شهاب الدین سهروردی ، جلال الدین مولوی برای بیان دقیقترین اندیشه و باریکترین تهذیبات و تعلیمات خود ، به قالب افسانه روی آورده‌اند .

گفته شد صراحت و اصالت داستانهای عامیانه بیش از ادبیات مکتوب و رسمی است، چرا که در بسیاری از مباحث و قصاید فرخی، عنصری، انوری و امیر معزی‌ها ... در عین فخامت و کمال استواری، زندگی واقعی مردم بسیار ناروشن دیده می‌شود و با خود اصلاح‌دیده نمی‌شود، بدین حجت، حرمت این قصاید و دیوانها در شکوه بیان و دقت خیال و لطف اندیشه است نه در واقع‌گرایی آنها، به بیان دیگر در این آینه‌ها - هر چند هم عتیق و گرچه گرامی - چهره راستین گذشتگان را نمی‌توان دید. یافتن علت این کم‌داشت چندان دشوار نیست: بسیاری از شاعران با ذوق و توانا با تکیه بر پسند خاطر امیر و حکمرانی، به زندگی پر آسایشی دست می‌یافتند و نوخاستگانی هم که ذوق شاعری می‌داشتند شوقی جز این درس نمی‌داشتند و راهی جز آن نمی‌رفتند که در آخر خط به آن پیشوایان و استادان برسند، پس اگر توفیق یارشان می‌گشت و به دربار امیری می‌پیوستند، ناگزیر از مردم می‌گسستند، پس از بسیاری از تپش‌های نبض اجتماع و خونی که در رگهای آن جریان داشت دور و بی‌خبر می‌ماندند، و حال اینست که در داستانها و ادبیات عامیانه، مسأله به گونه‌ای دیگر است، اگر فخامت کم است، اصالت بیش است. در اینجا ذکر این توضیح در بایست است که لازمه عنوان عامیانه مطمئناً این نیست که ارزش ادبی این آثار هم عامیانه و در سطحی بسیار نازل قرار دارد، چرا که در میان داستانهای عامیانه، به آثاری برمی‌خوریم که از جهت شیوه نگارش نیز ارزشی در خود توجه دارند کتاب سمک عیار، دارابنامه، طوطی‌نامه، هزار و یکشب از این گونه آثار هستند.

پس گذشته از ارزش و ارزیابی این داستانها، از آنجایی که سازندگان این آثار غالباً از مردم عادی بوده‌اند و در متن جامعه می‌زیستند و مسائل را از بطن اجتماع می‌گرفتند، از جهت تاریخ، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی - تاریخی سخت قابل اعتنا هستند و اگر به این گفته استناد بکنیم که:

«افسانه‌ها، قرن‌ها پیش از آغاز زندگانی تاریخی و مدون انسانها پدید آمده»<sup>۱</sup> اهمیت این تنها روزه‌ای که به تاریخخانه تاریخ می‌تابد روشن‌تر خواهد شد بویژه که تاریخ‌گزارانی که کلانامه دیرسال وطن‌ها را نوشته‌اند، غالباً رخدادهای مربوط به لشکرکشی و کشورگشایی و شکست و پیروزی حکمرانان و سلاطین را توصیف کرده‌اند و چقدر بی‌اعتنا از کنار جامعه و زندگی توده مردم گذشته‌اند، پس هرگونه مطالعه در ادبیات عامیانه و فولکلور نوعی تحقیق در جامعه‌شناسی خواهد بود و دست آورد این پژوهشها از جهت مردم‌شناسی و آگاهی از سیر اندیشه و شیوه زادن و زیستن و مردن پیشینیان - اصیل‌ترین و دل‌بستنی‌ترین مایه‌ها و بازده‌ها خواهد بود.

در اینجا خار این پرسش در ذهن می‌خلد که آیا ارزش این داستانها و فولکلورها تنها بخاطر قدمت و دیرینگی‌شان است و به همان اندازه ستودنی و ارج نهادنی که مثلاً کاسه سفالینی که از کندکهای نیشابور به دست آمده و یا اسلحه کمری ستارخان گُرد و یا عینک و قلمدان ثقة الاسلام شهید؟ پاسخ اینست که اولاً: هر آنچه از گذشته به دست ما آمده و با

۱ - نشریه دانشکده ادبیات تهران - مهرماه ۴۱ - مطالعه در داستانهای عامیانه فارسی - دکتر محمد جعفر محبوب .

عزیزانِ درگذشته ما بیوند دارد عزیزاست، ثانیاً فولکلور و ادبیات عامیانه با اشیاء عمیقۀ در موزه‌ها نشسته فرقی کلی دارد و آن اینکه اینها گویا و جاندار هستند و آنها بی‌جان و خاموش، یعنی که ادبیات عامیانه خواننده را از راهی میان بر و مطمئن به محیط زیست و شیوۀ زندگی گذشتگان می‌برد.

به اصل سخن باز شویم - ادبیات عامیانه، خواه آنچه حماسی است و رگه‌های ملی دارد خواه آنچه رنگ مذهبی دارد و خواه آنچه اخلاقی و تربیتی است، - و اینهمه به نظم یا به نثر، مکتوب یا غیر مکتوب - از دیدگاهی، خود در دو شاخه قابل مطالعه و بررسی است:

الف - آنها که زیر بار قدمت و دیرینگی نفس می‌زنند مانند طوطی‌نامه با اصل SuKa Saptati « هفتاد افسانه » که مانند بسیاری از همشیرگانش از دیار پرعجایب و دیرسال هند نشأت یافته و به ایران زمین سفر کرده و مانند اصل هزار و یکشب .

ب - آنهائی که نه آن بار اندیشه و نه این اصالت و دیرینگی را دارند همچون: ملك جمشید، شیرویه نامدار، امیر ارسلان، ملك بهمن، بدیع الملك .

هم‌این‌وهم‌آن‌دسته - چنانکه گذشت چیزهایی دارند در خور نگرش و پژوهش، پس « ساده لوحی است اگر تصور کنیم که در این قصه‌ها چیزی برای تداعی با مسائلی که زندگی ما را دربر گرفته است وجود ندارد و یا انسانهای این روزگار از حوزه درگیریهای ذهنی و روانی موجودات افسانه‌ای این قصه‌ها درگذشته‌اند انسان در متن تاریخ خود داستان ناتمامی

است، هیچ چیز در گذشته او وجود ندارد که در حال او نتوان یافت<sup>۱</sup>. اینک در میان دهها اثر گرانیمایه از داستانهای عامیانه به بررسی «چهل طوطی» می‌پردازیم و چشم توفیق و مجال داریم تا به داستانهای هم‌ارز و هم‌طراز چهل طوطی یا طوطی‌نامه برسیم.

چهل طوطی از گونه قصه‌هایی است برخاسته از سرزمین هند، با باری‌از اصالت و کهنگی، برخوردار از بیشترین عناصر قصه: عشق، خیانت، گنج، وقایع سحرآمیز و ... با این ویژگیها:

حکایت در حکایت و پوست‌پیمازی<sup>۲</sup>، پراز پند و اندرز، با جمله پردازیهای ساده و پر معنی، حاوی حکم و امثال، وغالباً از زبان حیوانات. برای فراهم آوردن این مختصر هر کجا سراغ طوطی‌داشتم و قفسی یافتم به سویش شتافتم اینک پیش از برشمردن و اشارت به ابعاد و محتوای طوطی‌نامه‌ها و نمودن همسانی‌ها و ناهمسانی‌های آنها، نکته‌ای را باید یادآور شوم و آن اینک، هر جا سخن از طوطی، این پرندۀ سبزگون برود، بجا خواهد بود از داستان «طوطی و بازرگان» جلال‌الدین مولوی در مثنوی معنوی<sup>۳</sup> هم نامی در میان آید، هر چند چارچوب آن قصه جدا از قصه‌های چهل طوطی است و بر محور عرفان می‌چرخد و لیکن وجوه اشتراکی در میان هست از جهت اینک طوطی مثنوی نیز ناطق است و اهل

- ۱- این تعبیر از منتقد محترم آقای علی‌اصغر حاج سید جوادی است در نقد بر «چهل طوطی» ترجمه آل احمد و سیمین دانشور.
- ۲- این اصطلاح «پوست‌پیمازی» را از آقای شمس‌الدین آل احمد برگرفته‌ام.
- ۳- مثنوی مولوی دفتر ۱ ص ۹۵.

منطق، و هم از این بابت که موطن طوطی مثنوی نیز سرزمین هند است و با چهل طوطی مورد بحث ما هم وطن!  
اینک به معرفی نسخه‌های کم ارج و بازاری چهل طوطی می‌پردازم تا به اصل و اصیل برسیم:

### يك - قصه شیرین چهل طوطی<sup>۱</sup>

چون آغاز داستان در تمام این نسخه‌ها - با اندک اختلافی - مانند هم است در اینجا پیش در آمد قصه را می‌آوریم:  
(تاجری است در هندوستان به نام خواجه خداداد که از زن و زن گرفتن گریزان است به این حجت که [پدر و مادر یاقوم و خویشان او به سر وقت او خواهند آمد و آنها باعث ملال من می‌شوند]<sup>۲</sup> پیرزنی یک هزار درهم می‌گیرد و چنین دختری کس و یاری را به او نشان می‌دهد ... خداداد دختر را به خانه می‌آورد و زندگی شوی و زن آغاز می‌شود. روزها زن در خانه تنها می‌ماند، حوصله‌اش سر می‌رود، شوهر به خواست زن يك جفت طوطی برای همدمی و سرگرمی او می‌خرد و بعد [ ... روزی خواجه جهت امتحان اراده سفر نموده به دختر گفت من عزم سفر دارم تومی توانی خود را چند روزی نگاه داری تا من برگردم، دختر قبول کرد، خواجه دوباره گفت از طوطیان متوجه شو. و نزد طوطیان آمده سفارش زن را نمود و روانه سفر شد]<sup>۳</sup> پس از چند روز از قضا بازرگان تازه‌ای گذرش به

۱ - تهران - کتابفروشی پرورش - سال ۱۳۲۳ - ۳۲ صفحه .

۲ - ص ۲ .

۳ - ص ۳ .

در قصر خواجه افتاده [دختری چون قرص قمر در بالای بام ایستاده دید تیری از کمان ابروی بازرگانزاده برجست و در سینه دختر جا گرفت ، دختر سنگ ریزه‌ای از بالا بر سر بازرگانزاده ریخت ، دختر را دید و هزاردل عاشق او گردید و از مرکب بزیر افتاده بیهوش شد]<sup>۱</sup> برای اینکه گرم این کارگشوده شود ورشته محبت عاشق و معشوق بهم گره بخورد، انگشت کارساز پیرزن مکاری بایسته است و این همان زن است که دختر را به خواجه نشان داده بود چند سکه مشکل را حل می‌کند، عجوزه روانه منزل دختر می‌شود، دختر برای وصال عاشق سینه چاک، عزم رفتن می‌کند که [طوطی نر گفت کجا می‌خواهی بروی ، گفت بدیدن دوست می‌روم ، طوطی گفت تو غلط می‌کنی یا از خانه بیرون می‌گذاری ، دختر چون این درستی را از طوطی شنید بر آشفته ، سر او را از تن بر کند و دور انداخت]<sup>۲</sup> آن روز از خشم و ندامت ، دختر نمی‌تواند به دیدن محبوب برود، فردای آن روز از طوطی ماده اجازه می‌خواهد: [ای مونس من اگر با من یک رنگ شوی جفتی که از آن بهتر باشد برای تو می‌خرم]<sup>۳</sup> طوطی ماده که حساب دستش آمده بود از در حزم و تدبیر وارد می‌شود و زن را سرگرم می‌کند بدین سان که هر روز صبح<sup>۴</sup> قصه‌ای آغاز می‌کند و آنقدر آب و تاب می‌دهد که روز بسر می‌رسد و وعده ملاقات به فردا می‌ماند و با عبارتی که در پایان

۱- ص ۳ .

۲- ص ۳ .

۳- ص ۳ .

۴- در طوطی‌نامه (جواهر الاسمار) قصه‌ها از اول شب تا به آخر شب می‌انجامد

مثلا [خورشید از قهقهه نور ، عالم را روشن گردانید] ص ۴۶ .



قصه‌ها مشابه است ماجرای يك روز به پایان می‌رسد ، چنین : [چون سخن بدینجا رسید عصر بود دختر چادر از سر برداشت و گفت ای مادر امروز هم دیر شد فردا می‌رویم]<sup>۱</sup>.

شماره داستانها در این نسخه ۱۳ است با این عنوانها :

- ۱- حکایت پادشاه یمن / ۲- حکایت پادشاه جابر / ۳- حکایت دختر عراقی / ۴- حکایت پادشاه دمشق / ۵- حکایت پادشاه سه زنه / ۶- حکایت زن خارکش / ۷- جنگ دختر پادشاه حلب / ۸- حکایت نجار / ۹- حکایت تاجر بلخی / ۱۰- حکایت پادشاه بلخ / ۱۱- حکایت پادشاه هرات / ۱۲- حکایت سلیم / ۱۳- حکایت زن فلوس و زرگر .

## دو - داستان شیرین چهل طوطی

باقصه‌های بلبل هزارستان<sup>۲</sup>.

## سه - طوطی سخنگو یا چهل طوطی گوتمبرك

گردآورنده : پروین منصور - از انتشارات مطبوعاتی گوتمبرك تهران - بخط جواد شریفی<sup>۳</sup>.

چارچوب و آغاز داستان همچنانست که در نسخه‌های پیشین می‌بینیم

۱ - ص ۱۲ .

۲ - از انتشارات مطبوعات حسینی - تهران - جیبی .

۳ - تهران - گوتمبرك ۱۳۳۹ - در ۵۲ صفحه - مصور .

با این تفاوت که در اینجا طوطی نر است که کله شقی می‌کند و به بانو می‌گوید [تو غلط می‌کنی یا از خانه بیرون می‌گذاری]<sup>۱</sup> و زبان سرخس سرسبزش را بر باد می‌دهد. در پایان داستان دوم تاجر از سفر بازمی‌گردد [مرد تاجر طوطی را نوازش کرد و برایش جفتی خرید و پیرزن را به دریا انداخت و زن خود را هم طلاق داد و باز بهمان صورت اول تنها زندگی کرد]<sup>۱</sup>.

#### چهار - چهل طوطی (ترکی)<sup>۲</sup>

باچنین آغازی [هذا کتاب چهل طوطی کلیاتی -

بسم اله الرحمن الرحیم . حمد بیحد و ثنای بیعد و سپاس بی‌قیاس سزاوار کسی که طوطی ناطقه را در پس آئینه تفکر شکر افشانی دوازده گانه<sup>۳</sup> گویا فرمود و درود نامعدود بر مرقد مطهر خواجه کاینات و شرف مخلوقات محمد المصطفی و تحیات زاکیات بر قد و قامت شهسوار میدان لافتی مسجد<sup>۴</sup> عبادت صبح و مسا یعنی علی المرتضی و اولاد اطهار او صلوات الله علیهم اجمعین باد .

۱- ص ۱۲ .

۲- ص ۲۹ .

۳- ناشر ؟ کاتب ؟ در ۴۸ صفحه .

۴- ؟

۵- اشرف ؛

۶- ؛

اما بعد چنین گوید متر<sup>۱</sup> بی بضاعت عبادالله حقیر فقیر... اماراویان  
 اخبار و طوطیان شکر شکن شیرین گفتار حکایت ایدوبلر...]  
 و انجام: [ناگاه طوطی، فصیح زبانش، نطقه گلوب دندی ای خواجه  
 شکر ایلم که سن گلدون، حال، بوسنون اما نتون، بو، شوم قاری منیم  
 جفتمی هلاک ایلیوب، ایستیردی جفا داشین، سنون عصمت شیشه وه  
 وورسون، من هرگون اونه بیر سرگذشت دیوب و اونی ساخلا میشام تا  
 اینکه بوگون گلدون. قارینی دریایه آتدی، عورته ده سیاست ایلدی،  
 ائودن چخارتدی و طوطیه نوازش ایلدی، تا اینکه دنیادن رحلت ایلدی<sup>۲</sup>  
 نعت الکتاب فی ۳ شهر جمادی الاولی ۱۳۳۲]  
 کاتب و ناشر این کتاب معلوم نیست، ولیکن ترجمه بسیار فصیح  
 و قصه وار و خوش عبارت است و آراسته با اشعار و ابیات فارسی.

### بنج - چهل طوطی (ترکی)

باز نویسی چهل طوطی شماره (چهار) است با اندک افزایش و کاهش<sup>۳</sup>.

۱- ؟

۲- بناگاه، طوطی بازبان فصیح، به سخن آمده گفت، ای خواجه شکر  
 می کنم که تو آمدی، حال، این امانت تو این پیرزن شوم جفت مرا هلاک کرده  
 می خواست سنگ جفا بر شیشه عصمت تو زند، من هرروز به او یک سرگذشت گفت  
 و او را نگه داشتم، تا اینکه امروز تو آمدی. سرد پیرزن را به دریا انداخت،  
 زن را نیز سیاست کرده از خانه اش بیرون راند و طوطی را نواخت تا آنکه از این دنیا  
 رحلت کرد.

۳- تبریز - کتابفروشی سعادت - در ۴۸ صفحه.

## شش - چهل طوطی زرین

یاقصه‌های بلبل هزارستان - نویسنده: کیخسرو شهریاری<sup>۱</sup>. این مجموعه با مجموعه دیگر، فقط از جهت نام و شیوه بیان (قصه در قصه) همسانی ندارد و هیچ یک از قصه‌ها در نسخه‌های دیگر نمی‌شود.

قهرمان داستان بازرگان دولتمندی است در کرمان، اجاق کور، بی‌بهره از فرزند، صلاة ظهر درویشی دم در حجره می‌ایستد و حقدوست می‌کند و وقتی از اندوه بی‌کران و غم بی‌پایان تاجر آگاه می‌شود او را راهنمایی می‌کند که در شهر کشمیر، عابدی از شیرۀ گیاهان و محللول طلا و مهر گیا معجون می‌سازد که اگر خواهی از آن بخورد به اندازه ستاره‌های آسمان صاحب اولاد می‌شود. تاجر تهیه سفر می‌کند و زنش - گلریز - بنای گریه و زاری می‌گذارد و از تنهایی می‌نالند تاجر یک طوطی و یک بلبل هزارستان می‌خرد و به زن می‌دهد. پس از چندی مراد پسر حاکم شهر گلریز را می‌بیند و عاشقش می‌شود... تفاوت کلی این کتاب با آن یکی‌ها در اینست که قصه‌ها را بلبل به طوطی و طوطی به زن باز می‌گوید [بلبل در جواب طوطی گفت غصه را به دل راه مده که من بلبل هزارستانم و هزار قصه و افسانه و حکایت در سینه دارم، هر روز یکی از آنها را برای تو نقل می‌کنم و تو هم آنها را برای خاتون به زبان آدمیان تقریر کن و سرش را گرم بگیر تا از سر این پیرزن فرهاد کش درامان بماند]<sup>۲</sup>

۱- تهران - شرکت نسبی کانون کتاب .

۲- ص ۴ .

### هفت - چهل طوطی

چاپ پطربورغ<sup>۱</sup>، به تحریر یا تصحیح والننن ژوکوفسکی. نام کتاب «مبدأ اللسان» است که شامل قصه‌های چهل طوطی و جنگک جام وقلیان است.

کتاب دارای پنج حکایت و یک مقدمه است. نشر قصه زیبایی و قدمتی ندارد و نشان می‌دهد که زمان تحریرش نباید دورتر از اواخر قاجاریه باشد<sup>۲</sup>.

### هشت - چهل طوطی

متن کامل سوکه سپتانی را B. Hal Wortham که مدتها در هند بسر برده و به زبان سانسکریت آشنایی کامل داشته به انگلیسی ترجمه کرده و در سال ۱۹۱۱ در لندن منتشر نموده. لین یوتانک، شش حکایت را از این برگزیده و در کتاب جنگک مانند به اسم *The Wisdom of India* به چاپ داده روانشاد جلال آل احمد و همسر دانشمندش خانم سیمین دانشور این شش قصه را از متن انگلیسی بفارسی برگردانده و چهل طوطی نام داده‌اند<sup>۳</sup>.

۱- پطربورغ - سال ۱۹۰۱ میلادی. چاپ سربی.

۲- جواهر الاسمار - پیش درآمد - ص ۲۷.

۳- تهران - انتشارات موج - سال ۱۳۵۱.

کتاب دارای يك مقدمه و ۶ داستان است :

- ۱- یا سوده وی و مهاجرت وی / ۲- بانو و ماهی خندان /
- ۳- فرزندان موعود / ۴- دویکاشوهر ابلهش / ۵- زن و ببر / ۶- آخرین داستان کتاب سوکه سپتانی .

### نه - طوطی نامه

اصلاح شده و تهذیب شده طوطی نامه ضیاء نخشبی است<sup>۱</sup> که در سال ۷۳۰ هـ در هند از سانسکریت ترجمه شده است و بعدها (شاید قرن یازدهم هجری) محمد قادری<sup>۲</sup> آن کتاب را به عبارات دقیق و سخت نوشته بودند از جهت معلوم شدن برای همه مردمان در عبارات سلیس و آران در آورده است<sup>۳</sup> این کتاب در سال ۱۸۰۱ در لندن با حروف سریبی نستعلیق چاپ شده و ترجمه انگلیسی آن در مقابل هر صفحه آمده است.<sup>۴</sup>

۱- خواجه ضیاءالدین بنخشی بلاؤنی متخلص به بنخشی معاصر سلاطین خلجی هند است و از مردم بنخشب (نسف) در ماوراءالنهر - در جوانی به هندوستان مهاجرت کرده و در بداؤن اقامت گزیده و از صحبت خلق کنار گرفته ، مردی زاهد بوده و به شیخ فرید نبیره و خلیفه شیخ حمیدالدین ناگوری ارادت می ورزیده . وفات بنخشی در سال ۷۵۱ هجری اتفاق افتاده .

۲- محمد داراشکوه قادری پسر ارشد شاه جهان و برادر بزرگتر اورنگ زیب است و این هردو پادشاهان هند . محمد قادری (۱۰۲۴ هجری بدینا آمده و در ۱۰۶۷ کشته شده) عاشق علم و ادب و حامی علما و ادبا بوده و یکی از نویسندگان و مؤلفین و مترجمین و خوشنویسان و نقاشان قرن ۱۱ هجری هندوستان است (به نقل از جواهر الاسمار - سخن مصحح - ص پنجاه و سه .

۳- مقدمه جواهر الاسمار - ص پنجاه و سه .

۴- سبک شناسی بهار - ج ۳ - ص ۲۶۰ .

این نسخه نزدیکترین نسخه ایست به طوطی نامه نخشبی که محمد قادری به ذوق خود در اصل کتاب تغییر داده و تهذیب کرده، بدین معنی که هم ۵۲ داستان را به ۳۵ داستان کاهش داده و هم از طول داستانهای موجود مبلغی کاسته و بعضی از نامهای قهرمانان را تغییر داده مثلاً پدر میمون را نخشبی « مبارک » می خواند و قادری « احمد سلطان »<sup>۱</sup>.

کتاب از نظر شیوه نگارش و جنبه دستوری و بکاربردن کلمات خاص درخور توجه است که به پاره‌بی اشاره می‌کنیم:

ورغلا نیدن = تهییج و تحریض کردن: [ ولیکن از بسیار ورغلا نیدن

مختاله راضی شد ] ص ۱۶

شادی کردن = عروسی کردن: [ وقتی دختر مذکوره لایق شادی

شد ... ] ص ۱۳۰

حویلی = خانه: [ در زیر درختی که در حویلی من است ] ص ۶۶<sup>۲</sup>

تیار = آماده و مهیا: [ زیور تیار ساخته بآن لعبت پوشانید ]

ص ۵۰<sup>۳</sup>

خسر = پدرزن: [ پسررای معه زن خود بطرف خانه خسر روانه

شد ] ص ۱۲۳<sup>۴</sup>

شبینه = بیات و از شب مانده: [ گوشت شبینه نمی‌خورند ] ص ۸۶

روزینه = یومیه، مقرر روزانه: [ هزار روپیه روزینه مقرر

۱- کتابفروشی اسدی تهران این کتاب را در سال ۱۹۶۷ بطریق افست

چاپ کرده.

۲-۳-۴ این سه ترکیب هم اکنون نیز در خراسان متداول است.

فرمود [ ص ۱۱۰

غصه شدن = خشم گرفتن: [ بر زن بسیار غصه شد ] ص ۲۰

راه دیدن = انتظار: [ شب راه او دیدم ] ص ۶۳

دستیاب = دسترس

دوائی = طبابت: [ از دوائی من نیم مرض تو دفع شده است ] ص ۶۰

کسی = هیچ: [ زن صالحه را کسی مرد نمی تواند فریفت ] ص ۴۲

قابو = مجال و فرصت: [ فی الحال امیر قابو یافته سنگی برس

ماز زد ] ص ۱۴۲

و با ویژگیهای دستوری زیر:

۱- استعمال فعل مرکب بجای فعل بسیط:

[ جانوری که نام او شارک بود خرید کرد ] ص ۱۴ یا [ چند بت را

از آنجا دزدی بکنیم ] ص ۳۶

۲- استعمال صفت مفعولی از فعل لازم: [ جانوران را نزد خود

ایستاده می کرد ] ص ۹۶ [ بر کنار نانوا متفکر ایستاده شد ] ص ۷۱

۳- دهانیدن بجای دادن: [ قیمت خود را آنقدر خواهم دهانید ]

ص ۵۹

۴- برگزیدن بجای برگزیدن: [ ای زن تو بدون تقصیر پره های من

برگزیدی ] ص ۲۱ یا [ زمین را کنیدی ] ص ۱۴۶

۵- استعمال فعل مستقبل بجای مضارع التزامی: [ هر کس که ترا

خواهد دید ( = ببیند ) معذور خواهد داشت ] ص ۷۱ - یا اگر موش را

خواهم کشت ( = بکشم ) شیر با من هیچ کار نخواهد ماند ] ص ۷۸



- ۶- استعمال از بجای به: [از پادشاه عرض کرد] ص ۱۳۶ یا [دو پای شارک را از دست محکم و مضبوط گرفته بر زمین زد] ص ۱۶
- ۷- جمع بستن ضمایر: [جانب شهر خودها روانه شدند] ص ۱۴ یا [مایان نیز تعجب می کنیم] ص ۵۲ یا [شمایان این زن را فریب داده] ص ۵۱- یا [همه ها گفتند] ص ۴۴.

#### ده - طوطی نامه یا جواهر الاسمار

از عماد بن محمد النعری (النعری؟)<sup>۱</sup>

زمان تألیف کتاب - مؤلف جواهر الاسمار کتابش را به خزانه کتب «علاء الدنیا والدین ... ابوالمظفر محمد شاه ... سلطان السلاطین سکندر ثانی خلعت ملکته و خلافته ...» تقدیم کرده و این ابوالمظفر از سلاطین خلجی است که دومین سلسله مسلمان در هند بوده اند (۶۷۹ تا ۷۲۰ هـ) علاء الدین محمد از ۶۹۵ تا ۷۱۵ هـ در دهلی سلطنت کرده ...<sup>۲</sup> با این شواهد و قراین، جواهر الاسمار کتابی است مربوط به قرن هشتم. در مورد مؤلف کتاب، مصحح چنین می گوید: [دست کم تا زمان قلمی شدن این مقدمه نام و نشانی از محمد النعری بدست نیامد]<sup>۳</sup> ولیکن از فحوای کتاب برمی آید که وی از خاندانی دبیرپیشه برآمده است جد و پدر و برادرش در سفر و حضر ملازم خدمت سلطنت بوده اند، کودکیش در

۱- جواهر الاسمار - از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران - به اهتمام شمس الدین

آل احمد - تابستان ۱۳۵۲

۲- صفحه سی و دو مقدمه

۳- صفحه سی و سه مقدمه کتاب

نوعی رفاه دیوانی به تحصیل علم گذشته است ، ازعهد مهد روزگار عزیز را به طلب علم صرف گردانیده در جوانی ازغم معاش ، مصاحبت فصحای ابرار و مجالست اختیارگزیده و دیرزمانی شانه از زیر بارمسئولیت اجتماعی خالی کرده و به نانی خشک و آبی گرم قانع ، به سیر آفاق وانفس پرداخته تا ازخوان بلاغت علمای کبار و فضلالی نامدار برچیده است .

سراسر کتاب گویای وسعت دانش مؤلف است . آیات ، احادیث ، عبارات و اشعار تازی کتاب گواه بصیرت مؤلف است به علوم قرآن و حدیث و ادب عرب ، نقل ایاتی از نظامی ، خاقانی ، انوری ، سعدی ... شاهدانس نویسنده است با امهات دیوانهای شعرای پیش از خویش .

اوصاف شاعرانه گونگونی از شامگاه و صبحگاه که در آغاز و انجام قصه های هر شب بکار برده علاوه بر اینکه نشانی از طبع و ذوق شاعرانه مؤلف است ، دلیل آشکاری نیز است بردانش نجومی وی ، به تعبیر دیگر توان گفت جواهر الاسمار کَشکولی را می ماند لبریز از اخلاق ، سیاست ، تاریخ ، موسیقی ، هنر و ...<sup>۱</sup>

مؤلف چون با کتابهای کللیله و دمنه ، سندباد نامه ، بختیارنامه واصل سانسکریت بعضی از آنها آشنا بوده است ، قصد می کند کتابی یا قصصی را از زبان هندی به پارسی برگرداند ، تا سرانجام دفتری می یابد بر ترتیبی نیکو تألیف کرده و مشتمل بر هفتاد افسانه<sup>۲</sup> که از زبان طوطی اختراع کرده بودند .

۱- صفحه سی و سه مقدمه کتاب .

۲- Suka Saptati = هفتاد افسانه .

شیوهٔ تألیف بدین ترتیب بوده که عماد بن محمد به متن سانسکریت «سوکه سپتانی» برمی خورد اما بیشتر قصه‌های آنرا نمی‌پسندد، چرا که، بقول خودش این افسانه‌ها نیک سمیع و ناخوش بود و لایق و در خور ملوک نبود، به این علت چهارچوبهٔ تودرتو و پیازی شکل قصهٔ سانسکریت را گرفته قصه‌هایی از همین کتاب را که بقول خود در خور ملوک بودند باقصه‌هایی از سانسکریت کلیده و دمنه - که بفارسی ترجمه نشده بوده - و افسانه‌های غربی از کتب هندیان که احتمالاً اصل هزار و یکشب (کاتاساریت ساگارا؟) باشد تلفیق می‌کند و برمی‌گزیند.

مجموع افسانه‌های این کتاب ۵۲ است و هر افسانه شبی را فرا

می‌گیرد.

بقول مصحح<sup>۱</sup>، برجسته‌ترین خصیصهٔ کتاب، اصراری است که مؤلف در برگردان اسامی هندی به نامهای پارسی دارد، در هیچیک از تحریرها و تهذیب‌های موجود طوطی نامه، این اندازه به نامهای ایرانی بر نمی‌خوریم و بنا به تعبیر زیبای مصحح محترم<sup>۲</sup> انکار مؤلف از غم غربت جانگهی رنج می‌برد و دور از وطن در همه چیز نشانی از جانان می‌بیند: نام شهرها و جایها غالباً ایرانی است و نامهای اشخاص یا ایرانی است: منوچهر، زریر و یا ترکیبات زیبای ایرانی مانند: ماه شکر، مهنوش، نازچهر ...

دراهمیت کتاب و ارزش این نسخه‌توان گفت که باتوجه به «سوکه سپتانی» و «پنچانترا» و «کاتاساریت ساگارا» اصل سانسکریت «طوطی

نامه و «کلبله و دمنه» و «هزار و یکشب» که گمان می‌رود هر سه مورد توجه مؤلف «جواهر الاسمار» بوده و با توجه به اینکه هر سه کتاب چند قرن پیش از میلاد در هند تدوین شده و با در نظر گرفتن اینکه «اساطیر ایرانی کهن با اساطیر آریائی‌ان هند باستان وجوه مشترک بسیاری دارد»<sup>۱</sup> می‌توان دریافت که چه باری از فکر و اندیشه و فلسفه کهن شرقی در این کتاب فراهم آمده است.

اما در زیر پوشش داستانه‌های بظاهر عوامانه کتاب حقایقی جالب وارجمند فرو خفته است از آن جمله است:

۱- قصه‌ها حکایت از مآل اندیشی و هشپاری سازندگان آنها دارند، هیچ جا فکر مقابله مستقیم با حوادث و نابکاریهای جهان در این کتاب دیده نمی‌شود، رهنمود کتاب چنین است: شایسته است همیشه با صبر و حوصله با موانع و سدها - از کنار و نه از روبرو - تماس گرفت.

۲- عشق به زندگی نخستین فکری است که رسوبش در عمق هر قصه نشسته است.

۳- تحلیل و کند و کاو در ابعاد و ژرفای داستانه‌ها نشان می‌دهد که بزرگترین مشغله و سوسه‌گر ذهن طبقات شکم سیر و حکمرانان و رایان، خیانت ناموسی بوده است.

۴- کتاب نمونه‌ای از نخستین آثار ادبی تمثیلی بشری است و همین این حقیقت که وقتی شرایط و امکانات چنان باشد که واقع بینی و بی‌پرده

۱- اساطیر ایران - مهرداد بهار - ص ۲۲، به نقل از صفحهٔ چهل و دو مقدمه کتاب.

گویبی نتواند جوانه زند ، ناچار خیال‌پردازی انسانها و سخن‌گفتن از زبان حیوانات و جمادات ریشه می‌دواند، و اینها همان نورتابهایی است به اوضاع اجتماعی و فرهنگی گذشته که در آغاز مقال به آن اشارت رفت از آداب پیشه‌ها از نوع : تجارت ، طب ... و از آئین‌ها و مراسم گونه‌گون از جمله: خواستگاری . مهمانداری ... و نیز از بنیادهای نظام حکومت از دازدن تانفی بلد کردن و گاه اشاراتی به علوم و هنرها ، بچشم می‌خورد<sup>۱</sup>.

### منابع :

- ۱- مطالعه‌ای در داستانهای عامیانه - دکتر محمد جعفر محجوب - کتاب هفته شماره‌های ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ .
- ۲- داستانهای عامیانه - دکتر محمد جعفر محجوب- مجله سخن - شماره‌های دوره‌های ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ .
- ۳- پیش درآمد ، طوطی نامه یا جواهر الاسماره انتشارات بنیاد فرهنگ ایران - به قلم شمس‌الدین آل احمد .
- ۴- جامعه‌شناسی عوام - دکتر نصرالله پورافکاری - اصفهان ۱۳۵۴ .
- ۵- مقدمه هزار و یکشب - علی‌اصغر حکمت - طهران ۱۳۱۶ .

۱- اقتباس و استفاده از مطالب بسیار محققانه مقدمه کتاب به قلم مصحح ارجمند.